

Article Type: Applied Article

نوع مقاله: پژوهش کاربردی

Identification and Analysis of the Barriers to Farmers' Participation in the Revitalization of Lake Urmia Mahabad Sub-Basin

D. Amin Fanak^{1*}, R. Rezaei², Z. Kahrizi³

1, 2- Ph.D. Graduate and Professor, Department of Agricultural Extension, Communication and Rural Development, University of Zanjan, Zanjan, Iran. 3- M.Sc. Student, Department of Agricultural Extension and Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

* (Corresponding Author Email: fanak2054@yahoo.com)

Received: 12-03-2023

Revised: 08-06-2023

Accepted: 08-06-2023

Available Online: 21-12-2023

شناسایی و تحلیل موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه در حوضه آبریز مه‌آباد

داود امین فنک^{۱*}، روح‌اله رضائی^۲، زینب کهریزی^۳

۱ و ۲- به‌ترتیب دانش‌آموخته دکتری و استاد، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

* (نویسنده‌ی مسئول، E-Mail: fanak2054@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

Abstract

Protecting and revitalizing wetlands and other water areas requires the participation of all stakeholders, especially water exploiters and local communities. Based on this fact, the present descriptive-analytical research was conducted with the aim of identifying and analyzing the barriers to farmers' participation in the revitalization of Lake Urmia. The statistical population of the research consisted of 7100 farmers in the Mahabad sub-basin (one of the sub-basins of Lake Urmia); out of them, 364 cases were selected as the sample using random sampling. The data collection tool was a researcher-made questionnaire. The results of the exploratory factor analysis showed that the barriers to the participation of farmers in the revival of Lake Urmia can be categorized in the form of seven factors, including the lack of awareness of organizations regarding the concept of participation, economic barriers and infrastructural weakness, centralized and inappropriate management, political issues and legal weakness, cognitive and educational barriers, weak communication, low social capital, and weak motivation of users. These seven factors could account for 65.9% of the variance in barriers to participation. Furthermore, the results of the prioritization of these factors revealed that economic barriers and infrastructure weakness, political issues and legal weakness, and lack of awareness of organizations regarding the concept of participation were more important in comparison to the other barriers. Thus, it is recommended that any program planning decision-making on the revival of Lake Urmia be aligned with an emphasis on removing these barriers.

Keywords: Protection of Wetlands, Stakeholders, Inhibitory Factors, Local Communities.

چکیده

حفاظت و احیا تالاب‌ها و سایر عرصه‌های آبی، نیازمند مشارکت تمامی گروه‌داران به‌ویژه بهره‌برداران و جوامع محلی است؛ براین اساس، این پژوهش توصیفی-تحلیلی، با هدف اصلی شناسایی و واکاوی موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق را ۷۱۰۰ نفر از کشاورزان در زیرحوضه مه‌آباد (یکی از زیرحوضه‌های آبریز دریاچه ارومیه) تشکیل دادند که تعداد ۳۶۴ نفر از آنها با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بود. نتایج به‌دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه در قالب هفت دسته شامل عدم آگاهی سازمان‌ها نسبت به مفهوم مشارکت، موانع اقتصادی و ضعف زیرساختی، مدیریت متمرکز و نامناسب، مسائل سیاسی و ضعف قانونی، موانع شناختی و آموزشی، ضعف ارتباطی و پایین بودن سرمایه اجتماعی و ضعف انگیزشی بهره‌برداران قرار گرفتند که این هفت عامل در مجموع ۶۵/۹ درصد از واریانس موانع مشارکت را تبیین کردند. همچنین، نتایج اولویت‌بندی این عوامل نشان داد موانع اقتصادی و ضعف زیرساختی، مسائل سیاسی و ضعف قانونی و عدم آگاهی سازمان‌ها نسبت به مفهوم مشارکت در مقایسه با سایر موانع اهمیت بیشتری داشتند؛ براین اساس ضروری است هر گونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در راستای احیا دریاچه ارومیه با تأکید بر رفع این موانع صورت پذیرد.

واژه‌های کلیدی: حفاظت از تالاب‌ها، گروه‌داران، عوامل بازدارنده، جوامع محلی.

این زمینه، مشارکت جامعه محلی می‌تواند یک پایگاه اطلاعاتی مهم از تجربیات و ایده‌های کاربردی و راه‌حل‌های مرتبط و قابل قبول برای رفع مشکلات مربوط به آب باشد؛ ۲- نیاز به استفاده از دانش بومی و نظراتی که برای حفاظت محیط‌زیست حیاتی می‌باشد و ۳- نیاز به اعتمادسازی عمومی، زمانی که فقدان اعتماد عمومی باعث اعتراض و خصومت میان کاربران منابع آب و سایر گروه‌زاران به‌منظور دستیابی به خواسته‌ها و منافع مختلف می‌شود (Azizi و Khalkheili و Zamani، ۲۰۰۹). بنابراین، موفقیت راهکارهای احیا تالاب‌ها نیز تا حد زیادی به میزان پذیرش آن از سوی گرداران و سطح مشارکت آنها وابسته خواهد بود (صالح‌نیا و همکاران، ۱۳۹۷). باتوجه‌به اهمیت موضوع، مرور منابع در این زمینه گویای انجام مطالعات اندکی به‌ویژه در حوضه آبریز دریاچه ارومیه می‌باشد. باتوجه‌به هدف پژوهش، در ادامه به‌طور خلاصه به مرور نتایج برخی از پژوهش‌های مرتبط داخلی و خارجی پرداخته شده است. امین فنک و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود نشان دادند اصلی‌ترین موانع حفاظت از منابع آب در حوضه آبریز دریاچه ارومیه شامل عدم استفاده از مشارکت واقعی گرداران در مدیریت منابع آبی، عدم ترویج معیشت پایدار و سازگار با منابع آبی در سطح حوضه، نبود انسجام کافی برای تصمیم‌گیری بین سطوح محلی، استانی و ملی، جامع نبودن قانون توزیع عادلانه آب و مدیریت بالا به پایین منابع آب، بودند. یعقوبی و مولان نژاد (۱۴۰۱) با هدف شناسایی موانع مشارکت کشاورزان در برنامه‌های مربوط به مدیریت منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه (در شهرستان میان‌دوآب) مشخص کردند که مهم‌ترین این موانع به ترتیب اهمیت شامل نامطلوب بودن وضعیت اقتصادی کشاورزان، بدقولی مسئولان در انجام وعده‌های خود برای کشاورزان، ناکافی بودن اعتبارات و تسهیلات کشاورزی، بی‌توجهی به نیازهای معیشتی کشاورزان، فراهم نبودن امکانات رفاهی و بهداشتی در منطقه، نظارت نامناسب بر حسن اجرای طرح‌های مدیریت بهینه منابع آب، دخالت ندادن مردم در مرحله طراحی پروژه‌های مشارکتی و مدیریت آب، پایین بودن روحیه همگرایی و اعتماد بین کشاورزان و متولیان دولتی و منطبق نبودن طرح‌ها با نیازها و شرایط کاری روستاییان، بودند. محمدی دینانی و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی جایگاه اصل مشارکت عمومی در مدیریت منابع آب از منظر حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل آب، به این نتیجه رسیدند که عوامل اساسی مانند رفع نواقص ساختاری و قانونی، الزام به تعامل با بهره‌برداران در اجرای هر گونه طرح حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب و همچنین الزام به انجام مطالعات ارزیابی اثرات محیط‌زیستی طرح‌های توسعه منابع آب منجر به تقویت مشارکت بهره‌برداران در مدیریت عرضه و تقاضای آب می‌شوند. دریجانی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه خود موانع اجتماعی و سازمانی مشارکت جوامع محلی در پروژه احیای چشم‌اندازهای جنگلی و تخریب یافته در شهرستان ریگان استان کرمان را بررسی کردند. نتایج این مطالعه

دریاچه ارومیه بزرگترین دریاچه شور خاورمیانه به‌شمار می‌آید (Karbassi و همکاران، ۲۰۱۰) که با مساحت حدود ۵۲ هزار کیلومترمربع به‌عنوان یکی از شش حوضه آبخیز اصلی کشور شناخته می‌شود (مجتهدی و همکاران، ۱۴۰۱). این دریاچه با داشتن زیست‌کره مهم جهانی و در عین حال یک اکوسیستم منحصر به فرد، نقش بسیار مهمی از نظر اجتماعی-اقتصادی و اکولوژیکی در منطقه ایفا می‌کند (Ebrahimi Sarindzaji و Zarghami، ۲۰۱۹؛ Esmaeilnezhad و همکاران، ۲۰۲۱). باتوجه‌به اهمیت دریاچه ارومیه، وضعیت افت تراز آب دریاچه و فرایند تدریجی خشک شدن آن در سال‌های اخیر سبب ایجاد برخی مشکلات مهم محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه برای جوامع محلی پیرامون دریاچه شده است (حلاجی و همکاران، ۱۳۹۵). براین اساس، مسئله خشک شدن دریاچه ارومیه به یکی از معضلات مهم آبی و محیط‌زیستی کشور تبدیل شده و حفاظت از آن، توجه نهادها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی را به خود جلب کرده است (اسمعیل‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰).

در سال‌های نه چندان دور بیشتر تلاش‌ها در حفاظت از منابع آب عمدتاً بر راه‌حل‌های مبتنی بر فناوری تمرکز داشته است؛ با این وجود، توسعه و استفاده از فناوری‌های بهتر، به تنهایی کافی نیست (Midden و همکاران، ۲۰۰۷). اجرای هر طرح و پروژه‌ای در داخل حوضه‌های آبخیز نیازمند مشارکت گرداران و بهره‌برداران داخل آن حوضه می‌باشد، به شکلی که عدم توجه به گرداران، بسیاری از طرح‌های مدیریت و توسعه منابع طبیعی را با شکست مواجه ساخته است (دانشی و همکاران، ۱۳۹۶). در مدیریت بهینه مقابله با بحران‌های آب، یک رویکرد جامع لازم است که افزون بر مباحث فنی، جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی را نیز مورد توجه قرار دهد. شکل‌گیری این رویکرد جامع، با مشارکت کشاورزان و سایر کاربران بخش‌های اساسی تصمیم‌گیر امکان‌پذیر است (Rezadoost و Allahyari، ۲۰۱۴). بنابراین طی چند دهه اخیر، رویکرد مشارکت همواره به‌عنوان مهم‌ترین رویکرد مورد نیاز برای مدیریت بهینه مسائل و مشکلات منابع طبیعی (آب و مسائل محیط‌زیستی) کشور معرفی شده است (کلاهی، ۱۴۰۰).

مشارکت کشاورزان که بزرگترین مصرف‌کننده آب در داخل کشور هستند، در پروژه‌های مربوط به مدیریت منابع آب و آبخیزداری امری ضروری بوده است به‌طوری که هرگونه برنامه‌ریزی بدون در نظرگرفتن نقش کشاورزان با شکست روبه‌رو خواهد شد (مولان‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵). مشارکت مردمی در مدیریت یکپارچه منابع آب یا سایر مسائل محیط‌زیستی بر اساس سه اصل استوار است: ۱- ظهور رویکردهای مشارکتی اهمیت جلب رضایت جامعه محلی را با شرکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی، به ویژه در مورد مسائلی که مستقیماً بر رفاه آن‌ها تأثیر می‌گذارد، نشان می‌دهد. در

نشان داد در بین متغیرهای اجتماعی، تقدیرگرا بودن و سپردن امور به سرنوشت، مشکلات جوامع محلی (مانند فقر، بیکاری و بی‌سوادی) و عدم وجود علاقه در مردم به تغییر وضعیت موجود خود و محیط اطرافشان و در بین متغیرهای سازمانی، هزینه‌بر بودن مشارکت در پژوهش، پرمسئولیت و سخت بودن فعالیت‌های موجود در پروژه و سخت بودن شرایط دریافت وام، مهمترین موانع فراروی مشارکت روستاییان بودند. در پژوهش دیگری، خدري زاده و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی موانع و زمینه‌های مشارکت جوامع محلی در مدیریت جنگل در بخش مِه‌شیر شهرستان بانه دریافتند که مردم محلی به‌صورت بالقوه تمایل به مشارکت در مدیریت و به‌ویژه مشارکت در برنامه‌های حفاظتی داشتند، اما موانعی همچون ذی‌نفع نبودن آنها در مدیریت و وابستگی شدید به جنگل، سبب کم‌رنگ شدن مشارکت آنها در مدیریت جنگل شده بود. Wehn و Almomani (۲۰۱۹) در بررسی مشوق‌ها و موانع مشارکت در نظام‌های اطلاعاتی و نظارتی محیط‌زیستی اجتماع محور نشان دادند موانع مشارکت ناشی از پیامدهای منفی مورد انتظار، عدم تایید اجتماعی و فرصت‌های از دست رفته بودند. Jones و Powlen (۲۰۱۹) در پژوهشی پیرامون شناسایی عوامل تعیین‌کننده و موانع مشارکت بهره‌برداران در احیای جنگل در کاستاریکا مشخص کردند نبود مهارت‌های فنی برای کاشت درختان، تجارب ناموفق گذشته، ضعف در سیاست‌گذاری، عدم اعتقاد سازمان‌های ذی‌ربط به اهمیت و لزوم مشارکت دادن بهره‌برداران در برنامه‌ها، عدم اعتماد مردم محلی به سازمان‌های بیرونی و بالا بودن هزینه‌های اولیه احیا جنگل از موانع اصلی مشارکت بودند. Eskandari و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه ارزیابی مشارکت روستایی در مدیریت تالاب به این نتیجه رسیدند که میزان مشارکت روستاییان در حفاظت از تالاب‌ها تحت تاثیر متغیرهای مساحت زیر کشت، سن، اندازه خانوار، محل اقامت، درآمد و هنجارهای اخلاقی روستاییان بود. همچنین، نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که مشارکت در حفاظت از تالاب از طریق موافقت‌نامه‌های یکپارچه‌سازی زمین برای خرده‌مالک‌ها و از طریق تثبیت درآمد، ظرفیت‌سازی، یادگیری اجتماعی و ابتکارات افزایش آگاهی برای کشاورزان به سمت شیوه‌های کشاورزی پایدار بهبود می‌یابد. Savari و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی پیرامون عوامل موثر بر مشارکت مردم محلی در مدیریت پایدار جنگل نشان دادند متغیرهای آموزش، گسترش روش‌های حفاظت از جنگل، نگرش مطلوب به مدیریت پایدار، کاهش وابستگی معیشتی به جنگل، افزایش درآمد غیرجنگلی، بهبود دانش و آگاهی بهره‌برداران و وجود کانال‌ها و منابع اطلاعاتی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر میزان مشارکت کشاورزان داشتند. در نهایت، Onyenankeya و همکاران (۲۰۲۱) موانع بهره‌وری مصرف آب در مناطق روستایی و حومه شهری آفریقای جنوبی را بررسی کردند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که خانوارهای روستایی و حومه شهری، هزینه را به‌عنوان

مانع اصلی برای نصب وسایل کم مصرف آب در نظر گرفته بودند. همچنین، نبود آموزش کافی و عدم آگاهی از مزایای استفاده از دستگاه‌های کم مصرف از دیگر موانع حفاظت از آب بودند.

همانطور که اشاره شد، باتوجه‌به اهمیت دریاچه ارومیه و لزوم حفاظت از آن، در سال‌های اخیر برنامه‌ها و اقدامات پرشماری از سوی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در راستای حفاظت از دریاچه انجام گرفته است. واکاوی این برنامه‌ها و اقدامات حاکی از آن است که عدم مشارکت به دلیل نگاه بالا به پایین و فرمایشی بودن فرآیند مشارکت مردم در احیا دریاچه ارومیه می‌باشد و در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نقشی برای مردم وجود ندارد که این امر در ادامه موجب کاهش انگیزه مشارکت عمومی، بی‌اعتمادی اجتماعی و در نهایت عدم تمایل آن‌ها به مشارکت در فعالیت‌ها می‌شود (ستاد احیا دریاچه ارومیه، ۱۳۹۸). در چنین شرایطی، بدهی است که گروداران در حوضه آبریز به خوبی به وظایف خود عمل نکرده و این مسئله منجر به تشدید بحران دریاچه ارومیه شده است (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۹). در واقع، تجربه چند ساله پروژه احیا دریاچه ارومیه نشان می‌دهد که دشوارترین مرحله کار در بخش اجتماعی خودنمایی می‌کند؛ جایی که باید با یک برنامه بلندمدت و جامع، ذهنیت و رفتار گروداران در جوامع محلی را تغییر داد، به‌گونه‌ای که هم منافع آنها و هم حقوق دریاچه به‌طور هم‌زمان تأمین شود. در چارچوب چنین برنامه‌های، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران دیگر با سازه سروکار ندارند که در مدت زمان کوتاهی ساخته و تحویل داده می‌شود، بلکه با یک پدیده انسانی مواجه هستند که بایستی او را قانع به تغییر رفتار و مشارکت برای احیا دریاچه ارومیه کنند (مؤسسه پیام آوران، ۱۴۰۰). آنچه مسلم است نخستین گام در این خصوص، بررسی زمینه‌ها و شیوه‌های افزایش مشارکت جوامع محلی و به‌ویژه شناخت و درک موانع پیشروی آنها برای مشارکت در احیاء دریاچه ارومیه می‌باشد تا بتوان بر پایه نتایج چنین مطالعاتی، برنامه‌ریزی هدفمندتر و اثربخش‌تری را در راستای جلب مشارکت جوامع محلی به عمل آورد.

هرچند، مرور شواهد تجربی نشان داد در سال‌های اخیر مطالعات مختلفی پیرامون موضوع مورد پژوهش انجام گرفته است، اما بیشترین پژوهش‌ها بر مبنای بررسی نظرات کارشناسان و متخصصان پی‌ریزی شده و اهمیت کمتری به مطالعه دیدگاه‌ها و نظرات کشاورزان به منزله اصلی‌ترین گروداران حوضه آبریز دریاچه ارومیه داده‌اند. از سوی دیگر، باتوجه‌به گستردگی حوضه آبریز دریاچه ارومیه که از ۲۱ زیرحوضه مختلف در سه استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان تشکیل شده است، مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد تاکنون پژوهش مشخصی درباره شناسایی موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه در حوضه آبریز مهاباد انجام نگرفته است. در حالی که این منطقه یکی از مهمترین زیرحوضه‌های دریاچه ارومیه به شمار می‌آید. شایان ذکر است آب اختصاص داده شده به بخش

کشاورزی در زیرحوضه مهاباد در سال‌های گذشته از ۱۳۷ میلیون مترمکعب به ۹۰ میلیون مترمکعب کاهش یافت که این موضوع منجر به بروز یک تنش اساسی در منطقه شد. به نحوی که میزان برداشت آب از چاه‌های غیرمجاز و همچنین رودخانه مهاباد به طور محسوسی افزایش یافت که در نهایت، این افزایش برداشت تأثیر ویژه‌ای بر کاهش میزان آب ورودی به دریاچه ارومیه و تالاب‌های حاشیه آن داشت. در مجموع، باتوجه به ملاحظات اشاره شده، این پژوهش با هدف اصلی شناسایی و تحلیل موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه انجام گرفت. براین اساس، پرسش‌های اصلی این پژوهش شامل موارد زیر بودند:

- ۱- چه موانعی بر سر راه مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه در زیرحوضه آبریز مهاباد قرار دارند؟
- ۲- در بین موانع شناسایی شده برای مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه در زیرحوضه آبریز مهاباد، کدامیک اهمیت بیشتری دارند؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش در گروه تحقیقات کمی می‌باشد که از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها و اجرا، یک پژوهش میدانی و پیمایشی به‌شمار می‌آید. جامعه آماری این تحقیق را تمامی کشاورزان در زیرحوضه آبریز مهاباد دریاچه ارومیه تشکیل دادند که تعداد آنها در حدود ۷۱۰۰ بود (سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۵). بر اساس جدول Krejcie و Morgan (۱۹۷۰)، تعداد ۳۶۴ نفر از کشاورزان با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای انجام تحقیق انتخاب شدند.

در خصوص منطقه مورد مطالعه، باید اشاره شود که زیرحوضه مهاباد به لحاظ تقسیمات سیاسی در استان آذربایجان غربی و در شهرستان مهاباد واقع شده و شامل ۱۲۴ روستا و یک نقطه شهری (مهاباد) می‌شود. این زیرحوضه با مساحت حدود ۱۵۰۲،۵۱ کیلومترمربع، در جنوب دریاچه ارومیه قرار دارد و از شرق به زیرحوضه سیمینه رود و از غرب به گادر منتهی می‌شود. به لحاظ موقعیت ارتفاعی این زیرحوضه در فاصله ارتفاعی ۱۲۷۰-۲۷۹۰ متری از سطح دریا واقع شده است. همچنین، زیرحوضه مهاباد یک رودخانه دائمی به نام مهاباد (چومی مهاباد) با طول ۱۱۴ کیلومتر دارد که از دو شاخه مهم چومی قوره و داغه و چند سرشاخه کوچک تشکیل شده و سد مهاباد بر روی آن قرار دارد (ستاد احیا دریاچه ارومیه، ۱۳۹۸). ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه بود که از دو بخش مشخصه‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان و دیدگاه کشاورزان مورد مطالعه در خصوص میزان اهمیت موانع مشارکت در احیا دریاچه ارومیه (شامل ۴۰ متغیر) تشکیل شده بود که این متغیرها از طریق بررسی و مرور گسترده مبانی نظری و تجربی پژوهش به‌ویژه مطالعاتی امین فنک و

همکاران (۱۴۰۲)؛ یعقوبی و مولان‌نژاد (۱۴۰۱)؛ دریجانی و همکاران (۱۳۹۷)؛ Powlen و Jones (۲۰۱۹) و Onyenankeya و همکاران (۲۰۲۱)، شناسایی و استخراج شده بودند. برای اندازه‌گیری بخش دوم، از طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) استفاده شد. به منظور بررسی روایی محتوایی ابزار پژوهش، پرسشنامه اولیه در اختیار پانلی از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های زنجان و ارومیه در رشته‌های ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی و همچنین کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی قرار گرفت و از نظر معیارهای مختلف شامل رعایت دستور زبان، دقیق و مرتبط بودن پرسش‌ها و قرار گرفتن آنها در جای مناسب خود، استفاده از واژه‌های مناسب برای پرسش‌ها و واضح بودن معانی آنها، مناسب بودن مقیاس سنجش پرسش‌ها، عدم ایجاد حساسیت در پاسخگویان، ساده بودن پرسش‌های طرح شده و امکان پاسخگویی آسان به آنها، کافی بودن کمیت و کیفیت پرسش‌ها و اندازه‌گیری جامع جنبه‌های اصلی مفاهیم مورد مطالعه، بررسی و بر اساس نظرات آنها ویرایش شد. همچنین، برای تعیین پایایی ابزار تحقیق، پیش‌آزمون (شامل ۳۰ نفر خارج از نمونه اصلی) انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه در حدود ۰/۸۷ بود که بر اساس نظر Pedhazur (۱۹۸۲)، ضریب پایایی اشاره شده قابل قبول بود. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ انجام گرفت و نتایج تحقیق در دو بخش آمار توصیفی (شامل فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات) و آمار استنباطی (شامل تحلیل عاملی اکتشافی) ارائه شدند.

شایان ذکر است که ضریب تغییرات یک شاخص نسبی است که از تقسیم انحراف معیار بر میانگین به دست می‌آید. این شاخص امکان مقایسه متغیرهای مختلف را فراهم می‌کند؛ به این ترتیب که به هر اندازه مقدار ضریب تغییرات بیشتر باشد، پراکندگی مقادیر یک متغیر بیشتر بوده و اهمیت آن متغیر در مقایسه با سایر متغیرها کمتر است. بر عکس، هر چه مقدار محاسبه شده برای ضریب تغییرات کمتر باشد، مقادیر یک متغیر حول میانگین متمرکزتر بوده و اهمیت آن متغیر بیشتر خواهد بود (کلانتری، ۱۳۹۵). همچنین، در این مطالعه به‌منظور دسته‌بندی و تحلیل "موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه"، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. تحلیل عاملی از روش‌های آماری چند متغیره جهت خلاصه کردن داده‌ها است. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آنها را در قالب عامل‌های محدودی دسته‌بندی می‌کند. جهت انجام تحلیل اکتشافی در این مطالعه از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شده است. هدف از تحلیل مولفه اصلی انتخاب تعداد محدودی عامل برای اهداف پیش‌بینی شده می‌باشد و هدف از چرخش واریماکس، ساده‌سازی ستون‌های ماتریس عاملی است. البته، برای تصمیم‌گیری

در خصوص تعداد عامل‌های استخراج شده نیز از بین معیارهای مختلف ارائه شده، در این پژوهش از معیار مقدار ویژه بهره گرفته شد به طوری که مقدار ویژه یک و بالاتر از آن مبنای تعیین تعداد عامل‌ها قرار گرفت. افزون بر این، به منظور تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، از آزمون بارتلت و شاخص KMO بهره گرفته شد به نحوی که معنی دار بودن آزمون بارتلت بیانگر وجود همبستگی بین متغیرها و در نتیجه مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی و همچنین مقادیر KMO بالای ۰/۷ نیز نشان دهنده اطمینان از کافی بودن حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی می‌باشند (کلانتری، ۱۳۹۵؛ Finch، ۲۰۱۹).

نتایج و بحث

نتایج این پژوهش نشان داد میانگین سنی کشاورزان مورد مطالعه ۵۱/۲ سال با انحراف معیار ۲/۸ بود. نزدیک به ۷۳ درصد از پاسخگویان مطالعه شده، مرد بودند. از نظر تحصیلات، ۸۹ درصد از کشاورزان تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از آن داشتند. همچنین، ۶/۳ درصد از پاسخگویان مدرک کاردانی و ۴/۷ درصد از آنها نیز از مدرک کارشناسی و بالاتر داشتند. توزیع فراوانی کشاورزان مورد مطالعه بر حسب پیگیری اخبار وضعیت دریاچه ارومیه در جدول (۱) آورده شده است. براین اساس، بیشترین فراوانی (۳۰/۲ درصد) مربوط به کشاورزانی بود که در سطح زیاد پیگیر اخبار مرتبط با وضعیت دریاچه بودند. نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد مقدار KMO، بالای ۰/۷ (یعنی برابر با ۰/۸۹۵) است که این یافته دلالت بر کافی بودن حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی داشت. به این ترتیب معنی داری آزمون بارتلت (جدول ۲)، نشان می‌دهد بین بین متغیرهای مورد تحلیل همبستگی وجود دارد و در نتیجه داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند. باتوجه به مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، در ادامه با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس مجموعه متغیرهای مرتبط با موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه تحلیل شد. با مد نظر قرار دادن معیار مقدار ویژه بالاتر از یک برای استخراج عامل‌ها، به شرط آن که بار عاملی متغیرهای وارد شده در

تحلیل کمتر از ۰/۵ نباشد، گویه‌های این مطالعه در نهایت در قالب هفت عامل اصلی دسته‌بندی شدند (جدول ۳). از بین ۴۰ متغیر اولیه، ۱۲ متغیر به این دلیل که بار عاملی کمتر از ۰/۵ داشتند از فرایند تحلیل حذف شدند. در مجموع، هفت عامل استخراج شده توانستند در حدود ۶۵/۹ درصد از واریانس موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه را تبیین کنند که حاکی از میزان واریانس مناسب تبیین شده توسط عامل‌های استخراج شده دارد (جدول ۳). پس از دسته‌بندی موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه، به منظور بررسی و واکاوی دقیقتر این موانع با استفاده از ضریب تغییرات اولویت‌بندی (بر اساس میزان اهمیت هر یک از عوامل مرتبط با موانع) شد (جدول ۴). باتوجه به نتایج مشخص شد که در بین هفت عامل استخراج شده، موانع اقتصادی و ضعف زیرساختی، مسائل سیاسی و ضعف قانونی و عدم آگاهی سازمان‌ها نسبت به مفهوم مشارکت، به ترتیب اهمیت بیشتری نسبت به سایر عامل‌ها داشتند (جدول ۴).

جدول ۱- توزیع فراوانی کشاورزان برحسب میزان پیگیری اخبار مربوط به وضعیت دریاچه ارومیه

ردیف	پیگیری اخبار وضعیت دریاچه ارومیه	فراوانی	درصد فراوانی
۱	خیلی کم	۲۱	۵/۸
۲	کم	۶۱	۱۶/۷
۳	متوسط	۸۹	۲۴/۵
۴	زیاد	۱۱۰	۳۰/۲
۵	خیلی زیاد	۸۳	۲۲/۸
۶	کل	۳۶۴	۱۰۰

جدول ۲- مقدار KMO و آزمون بارتلت و سطح معنی‌داری

مجموعه مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی‌داری (Sig)
موانع مشارکت در احیا دریاچه ارومیه	۰/۸۹۵	۴۱۸۳/۴۴۰	۰/۰۰۰

جدول ۴- رتبه‌بندی موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	عامل
۱	۰/۲۲۳	۰/۷۲۵	۳/۶۷	موانع اقتصادی و ضعف زیرساختی
۲	۰/۲۲۶	۰/۸۶۷	۳/۷۹	مسائل سیاسی و ضعف قانونی
۳	۰/۲۲۹	۰/۸۳۲	۳/۶۱	عدم آگاهی سازمان‌ها نسبت به مفهوم مشارکت
۴	۰/۲۳۰	۰/۸۰۷	۳/۴۷	مدیریت متمرکز و نامناسب
۵	۰/۲۳۴	۰/۸۷۷	۳/۷۵	ضعف انگیزشی بهره‌برداران
۶	۰/۲۳۷	۰/۸۳۸	۳/۵۰	ضعف ارتباطی و پایین بودن سرمایه اجتماعی
۷	۰/۲۶۳	۰/۸۵۳	۳/۲۳	موانع شناختی و آموزشی

جدول ۳- موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه

ردیف	عامل (میزان واریانس تبیین شده)	گویه‌ها	بار عاملی
۱	عدم آگاهی سازمان‌ها نسبت به مفهوم مشارکت (۱۲/۵ درصد)	نبود سازوکارهای لازم برای مشارکت دادن کشاورزان در فعالیتهای سازمان‌های ذی‌ربط عدم ارتباط مسئولین با مردم، رهبران محلی و کارشناسان مربوطه عدم آشنایی مسئولین و مدیران ذی‌ربط با فرآیند و روش‌های مشارکت عدم آگاهی مردم و مسئولین نسبت به فواید مشارکت و کار جمعی عدم ارائه آموزش در زمینه تقویت فعالیتهای گروهی و مشارکتی	۰/۸۹۵ ۰/۷۲۹ ۰/۶۵۳ ۰/۶۴۴ ۰/۶۳۸
۲	موانع اقتصادی و ضعف زیرساختی (۱۲/۱ درصد)	عدم دسترسی کشاورزان و گرووداران کلیدی دریاچه ارومیه به منابع اعتباری عدم ارائه حمایت‌های مالی و تأمین بودجه طرح‌های مشارکتی عدم توجه به شرایط اقتصادی و معیشتی کشاورزان حوضه آبریز دریاچه نبود زیرساخت‌های مناسب کشاورزی و تجهیزات آبیاری مدرن نبود معیشت‌های جایگزین و گزینه‌های درآمدی دیگر برای کشاورزان	۰/۷۹۳ ۰/۷۵۱ ۰/۷۲۱ ۰/۶۳۵ ۰/۶۲۹
۳	مدیریت متمرکز و نامناسب (۱۰/۲ درصد)	عدم حضور افراد بومی و محلی در پروژه‌های مربوط به نجات دریاچه ارومیه مشارکت ندادن مردم و گرووداران کلیدی در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و پروژه‌های نجات دریاچه ارومیه اجرای پروژه‌ها با رویکرد بالا به پایین و بدون توجه به شرایط اجتماعی کشاورزان عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری جامعه محلی	۰/۸۰۱ ۰/۷۳۲ ۰/۷۰۱ ۰/۶۱۴
۴	مسائل سیاسی و ضعف قانونی (۸/۶ درصد)	دخالت افراد سیاسی در انجام فعالیتهای فنی مرتبط با دریاچه ارومیه چرخش و جابه‌جایی سریع مدیران ارگان‌های دولتی مرتبط با نجات دریاچه ارومیه سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های نادرست در زمینه کشاورزی و معیشت مردم محلی ساکن در حاشیه دریاچه ارومیه وجود قوانین دست و پاگیر جهت تغییر سیستم‌های آبیاری و الگوی کشت کشاورزی	۰/۶۷۸ ۰/۶۲۹ ۰/۵۸۱ ۰/۵۶۶
۵	موانع شناختی و آموزشی (۸/۴ درصد)	احساس عدم تعلق افراد محلی به دریاچه ارومیه نبود فعالیتهای رسانه‌ای منسجم در حوزه حفاظت از محیط‌زیست و به‌ویژه حفاظت از دریاچه ارومیه عدم اطلاع‌رسانی شفاف به کشاورزان در خصوص نتایج پروژه‌های مرتبط با احیا دریاچه ارومیه ضعف در برگزاری دوره‌های آموزشی و مشارکتی مورد نیاز کشاورزان	۰/۶۳۶ ۰/۵۸۸ ۰/۵۸۱ ۰/۵۷۱
۶	ضعف ارتباطی و پایین بودن سرمایه اجتماعی (۷/۲ درصد)	نبود ارتباط و تعامل اثربخش بین ارگان‌های دولتی با جامعه محلی منفعت طلبی مجریان پروژه‌های احیا دریاچه ارومیه بی‌اعتمادی جوامع محلی نسبت به پروژه‌های نجات دریاچه ارومیه ناشی از تجارب شکست در پروژه‌های قبلی	۰/۶۹۵ ۰/۶۷۷ ۰/۶۷۰
۷	ضعف انگیزشی بهره‌برداران (۶/۹ درصد)	تعداد زیاد پروژه‌های مختلف و ناامیدی و خستگی کشاورزان کاهش روحیه مشارکت در بین کشاورزان ناامیدی مردم محلی از وضعیت احیا دریاچه ارومیه	۰/۷۰۹ ۰/۶۹۴ ۰/۵۶۲

بر اساس نتایج پژوهش، مهمترین مانع فراروی کشاورزان برای مشارکت در احیا دریاچه ارومیه، به مسائل اقتصادی و ضعف زیرساختی وابسته است که در مقایسه با سایر موانع در رتبه نخست قرار گرفته بود. اهمیت این دسته از موانع در مطالعات دیگر همچون امین فنک و همکاران (۱۴۰۲)، یعقوبی و مولان‌نژاد (۱۴۰۱)، دریجانی و همکاران (۱۳۹۷)، Jones و Powlen (۲۰۱۹) و Onyenankeya و همکاران (۲۰۲۱) نیز تأیید شد. امین فنک (۱۴۰۱) تأکید دارد، کشاورزان از مهمترین گرووداران حوضه آبریز دریاچه ارومیه به‌شمار می‌روند که معیشت آنها به شکل عمیقی

بر اساس نتایج پژوهش، مهمترین مانع فراروی کشاورزان برای مشارکت در احیا دریاچه ارومیه، به مسائل اقتصادی و ضعف زیرساختی وابسته است که در مقایسه با سایر موانع در رتبه نخست قرار گرفته بود. اهمیت این دسته از موانع در مطالعات دیگر همچون امین فنک و همکاران (۱۴۰۲)، یعقوبی و مولان‌نژاد (۱۴۰۱)، دریجانی و همکاران (۱۳۹۷)، Jones و Powlen (۲۰۱۹) و Onyenankeya و همکاران (۲۰۲۱) نیز تأیید شد. امین فنک (۱۴۰۱) تأکید دارد، کشاورزان از مهمترین گرووداران حوضه آبریز دریاچه ارومیه به‌شمار می‌روند که معیشت آنها به شکل عمیقی

اخیر سطح زیرکشت زمین‌های کشاورزی خود را افزایش داده‌اند یا اینکه برای کسب درآمد بیشتر به کاشت محصولات آب‌بر روی آورده‌اند که به موازات این مسئله مصرف آب بخش کشاورزی در سطح حوضه آبریز به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته است. این در شرایطی است که کشاورزان منطقه دسترسی کافی به منابع اعتباری لازم جهت مدیریت پایدار منابع آب ندارند و به دلیل مسائل اقتصادی قادر به مشارکت در برنامه‌های حفظ و احیا دریاچه ارومیه از جمله فراهم کردن زیرساخت‌ها و تجهیزات مورد نیاز برای اجرای سیستم‌های نوین آبیاری نیستند. به این ترتیب وجود مسائل اقتصادی سبب شده است بسیاری از کشاورزان توانایی ریسک برای تغییر شیوه معیشتی و پرداختن به سایر گزینه‌های درآمدی نداشته باشند.

باتوجه به نتایج این پژوهش، مسائل سیاسی و ضعف قانونی از دیگر موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه بود که در رتبه دوم قرار داشت. این یافته با نتایج مطالعات امین فنک و همکاران (۱۴۰۲)، یعقوبی و مولانژاد (۱۴۰۱) و Powlen و Jones (۲۰۱۹) همخوانی داشت. هرچند، با شکل‌گیری ستاد احیا دریاچه ارومیه، آیین‌نامه‌ها و قوانین جدیدی در سطح حوضه آبریز دریاچه ارومیه تدوین شد، ولی شواهد میدانی حاکی از آن است که این قوانین و مقررات ضمانت اجرایی محکمی به منظور پیشگیری از هدررفت آب نداشته‌اند. یکی از مهمترین دلایل این مسئله، به دخالت‌های سیاسی در تصمیم‌گیری‌های کلان و خرد در سطح حوضه برمی‌گردد. در واقع، چالش‌های حکمرانی و ضعف قوانین و مقررات در حوضه آبریز دریاچه ارومیه به اندازه‌ای مشهود است که این قوانین هیچ‌گاه برای کنترل و مدیریت درست منابع آب اثربخش نبوده و نتوانسته است چارچوب مشخصی را برای دسترسی قانونی کشاورزان به منابع آب تدوین و اجرا کند. در چنین شرایطی، تدوین قوانین و مقررات گوناگون نه تنها حالت بازدارندگی نداشته بلکه به دلیل داشتن ضمانت اجرایی بسیار ضعیف، در عمل به توسعه زمین‌های کشاورزی در کل حوضه آبریز منجر شده است. باتوجه به نتایج این پژوهش مشخص شد که یکی از موانع اصلی مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه که در رتبه سوم قرار داشت، مربوط به عدم آگاهی سازمان‌ها نسبت به مفهوم مشارکت بود؛ این یافته با نتایج پژوهش Powlen و Jones (۲۰۱۹) همخوانی داشت. به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران، دلایل پرشمار و بعضاً قانع‌کننده‌ای برای عدم مشارکت یا مشارکت پایین جوامع محلی در فرآیند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی پروژه‌های مختلف کشاورزی و منابع طبیعی وجود دارد. در این خصوص، نباید همواره روستاییان را به‌عنوان مقصر قلمداد کرد، زیرا بسیاری از مسائل و موانع مشارکت، به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم، به دولت‌ها، نهادها، سازمان‌ها و عاملان اجرایی این سازمان‌ها مربوط می‌شود. اوحدی‌نیا (۱۳۹۵) تأکید دارد، نقطه شروع مشارکت‌های مردمی، تمرکززدایی است

که معمولاً با مخالفت‌هایی از سوی ساختار مدیریتی بالادست روبه‌رو می‌شود. درحالی‌که حضور و مشارکت کنشگران در جریان برنامه‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های راهبردی بخش آب، از اصول غیرقابل‌منفک مدیریت پایدار منابع آب به‌شمار می‌آید که بسیاری از سازمان‌ها بنا به دلایل مختلف از جمله عدم آگاهی یا وجود پاره‌ای مسائل سیاسی، یا نسبت به اهمیت آن توجهی نیستند یا اینکه اعتقاد قلبی نسبت به آن ندارند و در نتیجه، همچنان که در برنامه‌های حفظ و احیا دریاچه ارومیه نمایان است، سازوکارهای لازم برای مشارکت دادن کشاورزان در برنامه‌ها و پروژه‌ها را به‌طور جدی مد نظر قرار نمی‌دهند.

افزون بر عوامل اشاره شده در بالا، یکی دیگر از موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه، مدیریت متمرکز و نامناسب بود که این یافته با نتایج مطالعات امین فنک و همکاران (۱۴۰۲)، یعقوبی و مولانژاد (۱۴۰۱) و خدیری‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) همخوانی داشت. در این خصوص، نتایج این پژوهش نشان داد بیشتر برنامه‌ها و پروژه‌های احیا دریاچه ارومیه با رویکرد بالا به پایین به‌صورت متمرکز و بدون همفکری و نظرخواهی از جوامع محلی مدیریت می‌شوند. به بیان دیگر، کشاورزان در برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به احیا دریاچه ارومیه، نقش بسیار کم‌رنگی داشته و مشارکت آنها به شکل موردی یا صوری و حتی در برخی موارد، فرمایشی است. اجرای الگوی کاشت در حوضه آبریز و طرح نکاشت و کاهش مصرف ۴۰ درصد آب، از جمله طرح‌هایی هستند که بدون توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی بهره‌برداران، تصمیم‌گیری و اجرا در نهایت نیز با شکست و ناکامی مواجه شده‌اند. افزون بر این، تضاد منافع بین سازمان‌های ذی‌نفع و موازی کاری بین آنها از دیگر مسائل مدیریتی محسوب می‌شوند که نه تنها با اتلاف منابع همراه بوده‌اند بلکه سبب سردرگمی، بی‌اعتمادی و بدبینی کشاورزان نسبت به نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط نیز شده‌اند که این مسئله نیز به نوبه خود منجر به عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری جامعه محلی نسبت به حفظ و احیا دریاچه ارومیه شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، ضعف انگیزشی بهره‌برداران به‌عنوان یکی دیگر از موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه مد نظر قرار گرفت. در این خصوص، شواهد گویای آن است هرچند، در سال‌های اخیر با تشدید روند خشک شدن دریاچه ارومیه، سازمان‌های دولتی به‌ویژه ستاد احیا دریاچه ارومیه و حتی نهادها بین‌المللی بودجه‌های اختصاصی هنگفتی را برای حفظ و احیا دریاچه ارومیه و تالاب‌های حاشیه آن هزینه کرده‌اند، ولی از نظر کشاورزان، این هزینه‌ها و پروژه‌های اجرایی در متوقف کردن روند کاهش خشک شدن دریاچه بی‌تأثیر بوده‌اند که همین مسئله منجر به سلب اعتماد، ناامیدی، خستگی و از بین رفتن انگیزه جوامع محلی نسبت به بهبود وضعیت دریاچه شده است. اهمیت این موضوع، با در نظر گرفتن تعداد زیاد برنامه‌ها و پروژه‌هایی که از سوی سازمان‌های مختلف در سطح حوضه آبریز

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بدون تردید، تخریب تالاب‌ها و خشک شدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها یکی از عمده‌ترین پیامدهای منفی بهره‌برداری نادرست و مدیریت ناپایدار منابع آب در کشور است که بارزترین نمونه آن مربوط به خشک شدن دریاچه ارومیه می‌باشد. در این زمینه، بسیاری از صاحب‌نظران بر این باور هستند که مشارکت روستاییان و کشاورزان در برنامه‌ها و اقدامات مرتبط با حفاظت از دریاچه ارومیه، یک مسأله حیاتی به‌شمار می‌آید که ضروری است زمینه لازم برای ایجاد و تقویت آن فراهم شود. با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف اصلی شناسایی موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه انجام گرفت. به‌طورکلی، بر پایه نتایج این پژوهش مشخص شد موانع مختلفی در ابعاد گوناگون شامل ابعاد اقتصادی، قانونی، آموزشی، مدیریتی و غیره بر سر راه مشارکت کشاورزان در برنامه‌ها و پروژه‌های احیا دریاچه ارومیه قرار داشتند که مهمترین آنها را می‌توان در قالب سه دسته موانع اقتصادی و ضعف زیرساختی، مسائل سیاسی و ضعف قانونی و عدم آگاهی سازمان‌ها نسبت به مفهوم مشارکت، برشمرد. نکته بسیار مهمی که بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت، این است که باتوجه به تعدد موانع شناسایی شده، فرایند حفاظت و احیا دریاچه ارومیه به مثابه یک موضوع چند بعدی به‌شمار می‌آید که ضروری است تمامی ابعاد به‌صورت نظام‌مند در نظر گرفته شده و با در پیش گرفتن رویکردی کل‌گرایانه مبتنی بر مدیریت جامع و یکپارچه، تلاش شود تا راهکارها و مداخلات اثربخشی در راستای رفع موانع فراروی مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه طراحی و پیاده‌سازی شود. براین‌اساس، در ادامه به ارائه برخی پیشنهادها متناسب با یافته‌های پژوهش پرداخته شده است:

۱- باتوجه به اهمیت موانع اقتصادی به‌عنوان یکی از موانع اصلی مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه و وابستگی بیش از حد معیشت جوامع محلی به دریاچه، پیشنهاد می‌شود با شناسایی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مختلف مناطق روستایی پیرامون دریاچه ارومیه بستر مورد نیاز جهت توسعه معیشت‌های جایگزین و تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و منابع درآمدی خانوارهای روستایی از طریق فراهم کردن زمینه مشارکت روستاییان در فعالیت‌های غیرکشاورزی همچون گردشگری و بومگردی، صنایع دستی، صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات دامی و کشاورزی، صنایع فرش و غیره فراهم شود. به‌طورقطع، توسعه چنین مشاغلی می‌تواند ضمن کاهش فشار بر منابع آب و خاک، موجب بالارفتن آستانه تحمل جامعه محلی در برابر نوسانات بازار محصولات کشاورزی و تغییرات اقلیمی (خشکسالی و دیگر پدیده‌های طبیعی غیرمترقبه) شود.

۲- باتوجه به اهمیت موانع شناختی و آموزشی فراروی کشاورزان جهت مشارکت در احیا دریاچه ارومیه و به‌طور مشخص ضعف

دریاچه ارومیه پیاده‌سازی شده‌اند، دو چندان است. در حال حاضر شرایط به گونه‌ای است که روحیه مشارکت کشاورزان تا حدود زیادی از دست رفته و افراد حتی حاضر به همراهی در برنامه‌ها و اقداماتی که ممکن است اثربخش مناسبی داشته باشند، نیستند که این مسئله فرایند احیا دریاچه ارومیه را بسیار دشوار و پیچیده کرده است.

در بین عوامل شناسایی شده، ضعف ارتباطی و پایین بودن سرمایه اجتماعی از دیگر مشکلات مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه بود که رتبه ششم را به خود اختصاص داده بود؛ اهمیت این عامل در مطالعات امین فنک و همکاران (۱۴۰۲)، یعقوبی و مولان‌نژاد (۱۴۰۱) و Jones و Powlen (۲۰۱۹) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. همانگونه که در قالب عامل سوم یعنی مدیریت متمرکز و نامناسب نیز شرح داده شد، کشاورزان به برنامه‌های سازمان‌های دولتی درگیر در احیا دریاچه ارومیه اعتماد چندانی ندارند و از آنجایی که این سازمان‌ها به‌عنوان بازوهای اجرایی ستاد احیا دریاچه ارومیه در سطح حوضه آبریز محسوب می‌شوند، این مسئله سبب ایجاد اختلال در برنامه‌های ستاد احیا به‌ویژه در آغاز فعالیت این نهاد شده بود. از طرفی مشاوران و مجریان پروژه‌ها در حین انجام فعالیت‌ها مانع از مشارکت واقعی کشاورزان در طراحی و اجرای پروژه‌ها شدند و حتی در بعضی موارد، با دادن وعده‌های غیرعملی و خارج از اختیارات، به دنبال پیشبرد اهداف خود بودند که در مجموع این مسائل سبب تضعیف سرمایه اجتماعی و افزایش تنش‌ها بین جوامع محلی و بخش دولتی شده است.

در نهایت، عامل آخر در بین موانع مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه که در رتبه هفتم قرار گرفته بود، موانع شناختی و آموزشی بودند که اهمیت آنها در پژوهش‌های Eskandari و همکاران (۲۰۲۰)، Savari و همکاران (۲۰۲۰) و Onyenankeya و همکاران (۲۰۲۱) نیز تأیید شده است. نتایج این پژوهش نشان داد در سال‌های اخیر احساس تعلق افراد محلی ساکن در حاشیه حوضه آبریز نسبت به دریاچه ارومیه کاهش یافته است که از دلایل عمده این مسئله می‌توان به وجود منابع و تأسیسات آبی مشترک (اعم از رودخانه، سد، خط آبرسانی، شبکه زهکشی و آبیاری و غیره)، رقابت برای برخورداری از سهم بیشتر از منابع آب ازجمله رقابت بین بالادست و پایین‌دست و احساس تبعیض در زمان و مقدار تخصیص آب و سهم آب استان‌ها (باتوجه به مشترک بودن دریاچه ارومیه بین سه استان آذربایجان‌های غربی و شرقی و کردستان)، اشاره کرد (دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، ۱۴۰۰؛ مؤسسه پیام‌آوران، ۱۴۰۰). به‌این‌ترتیب یکی دیگر از عوامل مورد تأکید در قالب موانع شناختی و آموزشی مربوط به مشکلات مرتبط با دوره‌های آموزشی و مشارکتی مورد نیاز کشاورزان بود که این دوره‌ها معمولاً یا به‌صورت موردی و در سطح بسیار محدود برگزار شده و یا برای بهبود سطح دانش، نگرش و رفتار بهره‌برداران در راستای حفاظت از دریاچه ارومیه اثربخش نبوده است.

در برگزاری دوره‌های آموزشی و مشارکتی مورد نیاز کشاورزان، پیشنهاد می‌شود از طریق انجام نیازسنجی‌های مستمر به صورت هدفمند طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی و ترویجی مرتبط در سطح جوامع محلی پیرامون دریاچه ارومیه اقدام شود. علاوه بر آن توجه به دیگر سازوکارهای ترویجی مانند برگزاری نشست‌ها، جلسات و گردهمایی‌ها، اجرای برنامه‌های آگاهی‌سازی اجتماعی در مقیاس بزرگ به‌ویژه با کمک رسانه‌های انبوهی مانند رادیو و تلویزیون و استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند جهت رفع موانع شناختی و آموزشی در بین کشاورزان مورد مطالعه راهگشا باشند.

۳- با در نظر گرفتن اهمیت موانع مرتبط با مدیریت متمرکز و نامناسب به‌عنوان یکی از موانع اصلی مشارکت کشاورزان در احیا دریاچه ارومیه، پیشنهاد می‌شود با تعریف شفاف و هم‌راستا کردن برنامه‌ها و اقدامات سه استان ذی‌نفع در حوزه آبریز دریاچه ارومیه شامل آذربایجان‌های غربی و شرقی و کردستان و همچنین سازمان‌ها و کنشگران مختلف درگیر در این سه استان، تضاد بین آنها کاهش داده شده و زمینه برای پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه منابع آب در حوزه آبریز دریاچه ارومیه فراهم شود. در این راستا ضروری است هرچه زودتر کمیته‌های استانی برنامه مدیریت زیست‌بومی دریاچه ارومیه که در سال ۱۳۸۸ به تصویب هیات وزیران رسیده است، برای اجرایی کردن اقدامات اولویت‌دار پیش‌بینی شده در برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه فعال شوند.

منابع

اسحاقی، سید رضا، حجازی، یوسف، حسینی، سید محمود، و رضایی، عبدالمطلب. (۱۳۹۹). تحلیل شبکه اجتماعی سازمان‌های فعال در احیای دریاچه ارومیه. *مجله علوم محیطی*، ۱۸ (۴)، ۲۳۹-۲۵۷. doi: [10.52547/envs.18.4.23](https://doi.org/10.52547/envs.18.4.23)

اسمعیل‌زاده، سعید، پرورش‌ریزی، عاطفه، و میان‌آبادی، حجت. (۱۴۰۰). مسئله‌شناسی و ارزیابی خط‌مشی ستاد احیای دریاچه ارومیه. *مجله مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۱ (۳۸)، ۳۸-۵۸.

امین‌فنگ، داود. (۱۴۰۱). رویکرد تلفیقی چندسطحی برای تبیین رفتارهای مشارکت‌گرایانه کشاورزان در حفاظت از منابع آب در حوزه آبریز دریاچه ارومیه. رساله دکتری، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان.

امین‌فنگ، داود، رضائی، روح‌اله، و زینال‌زاده، کامران. (۱۴۰۲). شناسایی و تبیین موانع حفاظت از آب در حوزه آبریز دریاچه ارومیه: یک پژوهش کیفی. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۲ (۱)، ۵۴-۷۳. doi: [10.22059/IJAEDR.2022.342469.669146](https://doi.org/10.22059/IJAEDR.2022.342469.669146)

اوحدی‌نیا، کیومرث. (۱۳۹۵). آگاهی از حقوق شهروندی و تاثیر آن بر مشارکت مردمی. مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی نخبگان عمران، معماری و شهرسازی. تبریز، ایران.

حلاجی، فاطمه، قدمی، مصطفی، و متولی، صدرالدین. (۱۳۹۵). ارزیابی ظرفیت‌های توسعه اکوسیستم در حوضه دریاچه ارومیه با تأکید بر اجتماع محلی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۵ (۴)، ۲۱۵-۲۳۷.

خدری‌زاده، مهدی، ملک‌نیا، رحیم، عادل، کامران، و هناره خلیانی، جلال. (۱۳۹۶). بررسی موانع و زمینه‌های مشارکت جوامع محلی در مدیریت جنگل (مطالعه موردی: بخش نمه شیر شهرستان بانه). *مجله پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل*، ۲۴ (۳)، ۳۵-۴۷. doi: [10.22069/JWFST.2017.12024.1634](https://doi.org/10.22069/JWFST.2017.12024.1634)

دانشی، علیرضا، وفاخواه، مهدی، و پناهی، مصطفی. (۱۳۹۶). ارزیابی راهکارهای مدیریت بحران دریاچه ارومیه با تأکید بر مشارکت حداکثری بهره‌برداران (مطالعه موردی: حوزه آبخیز سیمینه رود). *مجله مرتع و آبخیزداری (منابع طبیعی ایران)*، ۷۰ (۲)، ۲۹۹-۳۱۴. <https://doi.org/10.22059/jrwm.2017.121848.857>

دریجانی، محدثه، محبوبی، محمدرضا، بارانی، حسین، و عبدالله‌زاده، غلامحسین. (۱۳۹۷). موانع اجتماعی و سازمانی مشارکت جوامع محلی در پروژه احیای چشم‌اندازهای جنگلی و اراضی تخریب‌یافته (مطالعه موردی: شهرستان ریگان استان کرمان). *مجله تحقیقات جنگل و صنوبر ایران*، ۲۶ (۳)، ۴۳۵-۴۴۶. doi: [10.22092/IJF-PR.2018.118154](https://doi.org/10.22092/IJF-PR.2018.118154)

دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. (۱۴۰۰). ارزیابی اجتماعی- اقتصادی فازهای ششم و هفتم پروژه همکاری در احیای دریاچه ارومیه از طریق مشارکت جوامع محلی در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی. گزارش پژوهشی (منتشر نشده). دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. تهران.

رضائی، روح‌اله. (۱۴۰۰). خلاصه مدیریتی طرح ارزیابی اجتماعی- اقتصادی فازهای ششم و هفتم پروژه «همکاری در احیای دریاچه ارومیه از طریق مشارکت جوامع محلی در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی». گزارش پژوهشی (منتشر نشده)، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. تهران.

سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی. (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات کشاورزان (بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن). گزارش فنی، سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی. ارومیه.

ستاد احیای دریاچه ارومیه. ۱۳۹۸. سند جامع مطالعات اجتماعی فرهنگی دریاچه ارومیه. گزارش پژوهشی. شرکت نواندیشان ژیان کردستان. ارومیه.

صالح‌نیا، مینا، حیاتی، باب‌اله، و مولائی، مرتضی. (۱۳۹۷). مدل‌سازی ترجیح‌های ساکنان حوضه دریاچه ارومیه در رابطه با احیای آن: کاربرد روش رتبه‌بندی مشروط. *مجله اقتصاد کشاورزی*، ۱۲ (۴)، ۱۵-۴۴. doi: [10.22034/IAES.2019.66462.1471](https://doi.org/10.22034/IAES.2019.66462.1471)

کلانتری، خلیل. (۱۳۹۵). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی (با استفاده از نرم‌افزار SPSS)، جلد ۱. انتشارات فرهنگ صبا. چاپ هشتم. تهران.

- ence of the Total Environment, 747, 127-141. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2020.141127>
- Finch, W.H. (2019). Exploratory Factor Analysis. SAGE Publications, California, USA.
- Karbassi, A., Bidhendi, G. N., Pejman A., & Bidhendi M. E. (2010). Environmental impacts of desalination on the ecology of Lake Urmia. Journal of Great Lakes Research, 36(3), 419-424. doi.org/10.1016/j.jglr.2010.06.004
- Krejcie, R.V., & Morgan, D.W. (1970). Determining sample size for research activities. Educational and Psychological Measurement, 30, 607-610. <https://doi.org/10.1016/j.jglr.2010.06.004>
- Midden, C. J., Kaiser, F. G., & McCalley, L. T. (2007). Technology's four roles in understanding individuals' conservation of natural resources. Journal of Social Issues, 63(1), 155-174. <https://doi.org/10.1111/j.1540-4560.2007.00501>
- Onyenakeya, K., Onyenakeya, O. M., & Osunkunle, O. (2021). Barriers to water use efficiency in rural and peri-urban areas of South Africa. Water and Environment Journal, 35(4), 1164-1173. <https://doi.org/10.1111/wej.12707>
- Pedhazur, E. (1982). Multiple regressions in behavioral research: Explanation and predication. Reinhart & Winston, New York, USA.
- Powlen, K. A., & Jones, K. W. (2019). Identifying the determinants of and barriers to landowner participation in reforestation in Costa Rica. Land use policy, 84, 216-225. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2019.02.021>
- Rezadost, B., & Allahyari, M. S. (2014). Farmers' opinions regarding effective factors on optimum agricultural water management. Journal of the Saudi Society of Agricultural Sciences, 13(1), 15-21. <https://doi.org/10.1016/j.jssas.2012.12.004>
- Savari, M., Eskandari Damaneh, H., & Eskandari Damaneh, H. (2020). Factors influencing local people's participation in sustainable forest management. Arabian Journal of Geosciences, 13, 1-13. DOI: [10.1007/s12517-020-05519-z](https://doi.org/10.1007/s12517-020-05519-z)
- When, U. & Almomani, A. (2019). Incentives and barriers for participation in community-based environmental monitoring and information systems: A critical analysis and integration of the literature. Environmental Science & Policy, 101, 341-357. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2019.09.002>
- کلاهی، مهدی. (۱۴۰۰). گروداران منابع طبیعی. نشریه آب و توسعه پایدار، ۱۸(۱)، ۱۹-۳۰. doi: [10.22067/JWSD.V8I1.88313](https://doi.org/10.22067/JWSD.V8I1.88313)
- مجتهدی، سیدمهدی، طهماسبی، اصغر، شبیری، سیدمحمد، علوی تبار، علیرضا، و زندی، بهمن. (۱۴۰۱). تحلیلی بر نقش گروداران کلیدی در مدیریت تالاب‌های اقماری دریاچه ارومیه. نشریه آب و توسعه پایدار، ۹(۴)، ۴۷-۵۸. doi: [10.22067/JWSD.V9I4.2206.1159](https://doi.org/10.22067/JWSD.V9I4.2206.1159)
- محمدی‌دینانی، منصور، مولایی، یوسف، و بنی‌حیب، محمدابراهیم. (۱۴۰۱). جایگاه اصل مشارکت عمومی در مدیریت منابع آب از منظر حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل آب. مجله پایداری، توسعه و محیط‌زیست، ۳(۳)، ۱۵-۲۷. doi: [20.1001.1.24233846.1401.3.3.2.4](https://doi.org/10.22067/JWSD.V9I4.2206.1159)
- روزنامه پیام‌آوران. (۱۴۰۰). فراز و فرودهای احیاء: مروری بر چالش‌های احیا دریاچه ارومیه. ویژه‌نامه دریاچه ارومیه، مؤسسه مطبوعاتی پیام‌آوران. کرمان.
- مولان‌نژاد، لقمان، یعقوبی، جعفر، و خضری، بهروز. (۱۳۹۵). عامل‌های مؤثر بر ترغیب کشاورزان به مشارکت در برنامه‌های مدیریت آب و آبخیزداری در شهرستان میان‌دوآب. مجموعه مقالات یازدهمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران. انجمن آبخیزداری ایران، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
- یعقوبی، جعفر، و مولان‌نژاد، لقمان. (۱۴۰۱). موانع مشارکت کشاورزان در برنامه‌های مربوط به مدیریت منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه. مجموعه مقالات ششمین همایش ملی مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
- Azizi Khalkheili, T., & Zamani, G. H. (2009). Farmer participation in irrigation management: the case of Doroodzan Dam Irrigation Network, Iran. Agricultural Water Management, 96(5), 859-865. <https://doi.org/10.1016/j.agwat.2008.11.008>
- Ebrahimi Sarindizaj, E., & Zarghami, M. (2019). Sustainability assessment of restoration plans under climate change by using system dynamics: application on Urmia Lake, Iran. Journal of Water and Climate Change, 10(4), 938-952. <https://doi.org/10.2166/wcc.2018.209>
- Esmailnezhad, R., Zeinalzadeh, K., Nazarnejad, H., & Mohammadpour, M. (2021). Assessment of agricultural development preventive policies for restoration of Urmia Lake in Barandoz Basin, Iran. The Egyptian Journal of Remote Sensing and Space Science, 24(3), 1103-1110. <https://doi.org/10.1016/j.ejrs.2021.10.005>
- Eskandari-Damaneh, H., Noroozi H., Ghoochani O. M., Taheri-Reykandeh E., & Cotton, M. (2020). Evaluating rural participation in wetland management: A contingent valuation analysis of the set-aside policy in Iran. Sci-